



با اوج گیری نهضت اسلامی ملت ایران در نیمه دوم سال ۱۳۵۷، این سوال مهم در اذهان عمومی و جریانه‌ها و گروه‌های سیاسی مطرح گردید که نوع و مدل حکومت اسلامی که جایگزین نظام طاغوت خواهد شد کدام است؟ در این بین احزاب و گروه‌های سیاسی با ایدئولوژیهای متفاوت هر یک مدل‌های مختلفی را در ذهن می‌پروراندند. اما در میان توده‌های ملت تمامی نگاه‌ها به رهبری نهضت دوخته شده بود که ایشان در این مورد چه می گویند .

**۱- رفراندم جمهوری اسلامی**

حضرت امام(ره) اولین چهره سیاسی تاریخ ملت است که نظام جمهوری اسلامی را برای اداره کشور مطرح نمود. طرح این مسئله - که در ادبیات سیاسی جهان سابقه نداشت - سوالات فراوانی را در اذهان موافقان و مخالفان نهضت مطرح ساخت. حضرت امام(ره) در طول نیمه دوم سال ۱۳۵۷ مصاحبه های مختلفی به تبیین آن پرداخت.

از نگاه ایشان، نظام جمهوری اسلامی؛ نظامی است متکی به قانون اسلام و از طرفی متکی به اراده مردم و آرای عمومی، نظامی که در تاریخ معاصر جهان نمونه ندارد و الگوی آن حکومت رسول‌الله(ص) و حضرت علی(ع) است. جمهوری اسلامی بدین معنا که قانون کشور را قوانین اسلامی تشکیل می دهد، ولی فرم حکومت، جمهوری است و مراد از جمهوری، به همان معنایی که در همه جای دنیا رایج است، با این تفاوت که قانونش اسلامی خواهد بود.

در همین مقطع است که اولین مخالفت‌های جدی برخی جریانه‌های سیاسی التقاطی که وابستگی برخی از آنها بعدها در ماجرای افشای اسناد لانه جاسوسی محرز گردید با اندیشه نیروهای خط امام نمایان شد و آنها به مخالفت با جمهوری اسلامی پرداختند و با طرح وجود پارادوکس در ترکیب «جمهوری اسلامی»، ارتجاعی خواندن آن و . . . عنوانی چون «جمهوری دموکراتیک»، «جمهوری خلق»، «جمهوری مطلق»، «جمهوری دموکراتیک اسلامی» و . . . را مطرح نمودند.

این بار نیز حضرت امام(ره) که همواره با نگاه تیزبین و آینده نگر خویش توطئه ها را ختنی می نمود، به معرفی جریان نفاق پرداخت و اعلام داشت که «دشمنان، از جمهوری نمی ترسند از اسلام می ترسند و طرفداران جمهوری دموکراتیک و جمهوری بدون اسلام، وابستگی هستند که با اسلام مخالفتند.»

حضرت امام(ره) در آستانه انتخاب با بیان اینکه «جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد» به صراحت اعلام نمود که به جمهوری اسلامی رأی خواهد داد و از همه اقشار مردم و گروه‌های سیاسی دعوت نمود تا در این رفراندم به جمهوری اسلامی رأی آری بدهند. ذکر این نکته نیز قابل توجه است که حضرت امام(ره) از ملت می خواهد که آذانه رأی دهند و توضیح می دهد که رأی «نه» معنایش پذیرش رژیم سلطنتی نیست.

و سرانجام در سینه‌دم ۱۲ فروردین سال ۵۸ نخستین روز حکومت الله تحقق یافت و گام بعدی در مسیر انقلاب، تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی بود.

**۲- تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی**

نظر حضرت امام(ره) این بود که هرچه سریع‌تر کشور و انقلاب سامان بیابد و زمینه تلاش برای تحقق آرمانهای بلند انقلاب و اسلام مساعد شود. در چهاردهم تیرماه۵۸، شورای انقلاب قانون انتخابات مجلس خبرگان، بررسی قانون اساسی را تصویب کرد و این مجلس در تاریخ (۱۲/۵/۵۸) - که اعضای آن ۷۳ نفر بودند (هر پانصد هزار نفر یک نماینده) - شروع به کار نمود.

در آستانه برگزاری انتخابات، خط نفاق که فضای حاکم بر جامعه را مساعد برای اجرای طرحها و برنامه های خود نمی دید و امید به دست گرفتن مجلس خبرگان را نداشت، در تلاش برای تضعیف جایگاه مجلس خبرگان و شبهه افکنی و جوسازی

**این رفراندم یک رفراندم اسلامی بود، نه یک رفراندم سیاسی. مردم برای اسلام خون می دهند نه برای سیاست. برای سیاست اسلامی. ملت ما به واسطه اتکا به اسلام، این نهضت را پیش برد. ملت ما عاشق شهادت بود؛ با عشق به شهادت این نهضت پیش رفت. اگر این عشق و علاقه نبود، هرگز ما در مقابل آن همه قدرت پیروز نمی شدیم. پیروزی ما دنبال این بود که همه اسلامی بودید، همه توجه به دیانت داشتید.**

صحیفه نور، ج. ۶، ص۴۸



# پاسداری متعهدانه امام از آراء مردم

**مروری بر اقدامات ضد انقلاب و خط نفاق در جلوگیری از استقرار نظام جمهوری اسلامی**



پیرامون آن برآمد.

ابتدا طرح پیش نویسی قانون اساسی برای نظام اسلامی را زودرس خواندند، آنگاه که دیدند امام بر تهیه پیش نویس و تشکیل مجلس خبرگان پای می فشرده، از آنجا که می دانستند قانونی که مجلس خبرگان تدوین کند به سود آنها نخواهد بود، تلاش ورزیدند مجلس خبرگان شکل نگیرد و در محفله و نشستهای رسمی و غیررسمی، در مصاحبه ها و سخنرانیها و اطلاعیه ها، خواستار تشکیل «مجلس موسسان» شدند.

و در جایی گفتند: «تصمیمی که برای ایجاد مجلس خبرگان به جای مجلس موسسان گرفته شده است، هدفی جز دور ساختن انقلابیون از صحنه ندارد و نمایندگان واقعی توده های ستمدیده از تشخیص این یا آن ماده عاجز نیستند و بهانه هایی که آورده می شود تنها گویای تنگ‌نظری و انحصارطلبی تحمیل کنندگان مجلس خبرگان به مردم ستمدیده است.» (نشریه پیکار، ش۸۵، ۲۸، ۵۸/۳)

در پاسخ به این سخنان، حضرت امام(ره) چنین فرمودند: «ما حالا باید قانون اساسی را آن طوری که برای اسلام باشد، تحکیم کنیم، تصویب کنیم و این هم باید زود تصویب شود. این طرحی است که دولت داده است، همین طرح صحیح است و اگر بخواهد آن طوری که این غرب‌زده ها می گویند مبنی بر اینکه شما مطابق چیزهای دنیاپسند یک مجلسی درست کنید با پانصد ششصد نفر آدم و پانصد هشتصد نفر آمدند، یکی یکی بنشینند آنجا، این معانی اش آن است که ما تا دو سه سال دیگر بنشینیم و عزا بگیریم و آنان قوت پیدا کنند، طرحی است که با از غرب ریخته شده است و یا از آنجایی که شاه در آنجاست. این طرح وارداتی است، آیا این طرح قبول است؟. . .» (صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۴۶، ۲۸، ۵۸/۳)

نتایج انتخابات - که در زمان مقرر برگزار شد - خیر از ورود اکثریت مطلق کاندیداهای خط امام به مجلس می داد و

**این رفراندم یک رفراندم اسلامی بود، نه یک رفراندم سیاسی. مردم برای اسلام خون می دهند نه برای سیاست. برای سیاست اسلامی. ملت ما به واسطه اتکا به اسلام، این نهضت را پیش برد. ملت ما عاشق شهادت بود؛ با عشق به شهادت این نهضت پیش رفت. اگر این عشق و علاقه نبود، هرگز ما در مقابل آن همه قدرت پیروز نمی شدیم. پیروزی ما دنبال این بود که همه اسلامی بودید، همه توجه به دیانت داشتید.**

صحیفه نور، ج. ۶، ص۴۸

**شهادت شهید مهدی سعیدی**

تیزبین و اسلام شناس را که نقاط ضعف اساسی پیش نویس را آشکار نموده بودند، ناکارآمد کنند. این بار نیز حضرت امام(ره) با سخنان خود این ترفند را ناکام گذاشت: «این قانون پیش نویس است، پیش نویس هیچ چیز نیست. باید رأی بدهید، باید نظر بدهید و مهم این است که خبرگان باید خبرگان اسلامی، امین، مسلمان (باشند و) متوجه غرب و شرق، تحت تأثیر غربی و شرقی نباشند، تحت تأثیر مکتب های انحرافی نباشند.» (صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۱۳، ۱، ۵۸/۵)

با در دستور قرار گرفتن اصل ولایت فقیه در مجلس خبرگان، مبارزه و شبهه افکنی مخالفان به اوج خود رسید و منافقان که با تصویب اصل ولایت فقیه همه چیز را تمام شده می انتخابات و تخلفات آشکاری که در جریان انتخابات صورت گرفته است، به انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی

«قانون اساسی با وجود نهادهایی چون ولایت فقیه و شورای نگهبان و . . . حاکمیت خلق را زیر پا گذاشته است.» (نشریه پیکار، ش ۲۳، ۹، ۵۸/۶)

اما با ادله و استدالات متقن اسلام‌شناسان متعهد و انقلابی مجلس خبرگان بالاخص شهید بزرگوار آیت الله بهشتی و با هدایت و رهبری آگاهانه حضرت امام(ره) در تاریخ (۲۱/۶/۵۸) این اصل مترقی که به فرموده حضرت امام(ره) «مترقی ترین اصل قانون اساسی» است به تصویب رسید و بار دیگر جریان نفاق ناکام ماند.

در این بین آخرین حربه خط نفاق، طرح انحلال مجلس خبرگان بود. مجری و عامل اصلی این طرح «عباس امیرانتظام»

معاون مطبوعاتی نخست‌وزیر و سخنگوی دولت و جاسوس سازمان سیا بود.

در این زمینه طرح انحلال خبرگان آماده شده و به امضای هفده تن از وزرای کابینه می‌رسد و قرار می شود که در اولین فرصت از طریق رسانه های عمومی به اطلاع ملت برسانند، اما قبل از اعلام عمومی،

نخست وزیر وقت که از عواقب انتشار آن بدون اطلاع حضرت امام(ره) نگران بود بر آن می‌شود که قبل از اعلام، این موضوع را به اطلاع ایشان برساند. حضرت امام با تیزبینی و درایت خویش قاطعانه در برابر این مصوبه می ایستد و با آن مخالفت می‌کند. حضرت امام(ره) در بیان‌اتشان در تاریخ (۲۴/۳/۶۰) به این ماجرا اشاره می‌کنند: «قضیه طرح آنکه مجلس خبرگان منحل بشود، که در زمان دولت موقت این طرح مطرح شد و بعد معلوم شد که اساسش از امیرانتظام بوده و آن مسایل، آن وقت آمدند آقایان پیش ما، همین آقایانی که، آقایان بازرگان و رفقایش و گفتند ما خیال داریم که مجلس خبرگان را منحلش کنیم، من گفتم شما چه کاره هستید که می‌خواهید این کار را بکنید؟ شما چه سستی دارید که بتوانید مجلس منحل کنید؟ پا شویید بروید سراغ کارتان. وقتی دیدند محکم است مسئله، کنار رفتند.

سراغ کارتان. وقتی دیدند محکم است مسئله، کنار رفتند.

## همه چیز با یک صلوات شروع شد

**شهادت شهید علی رحیمی**

چهار و نیم بعد از ظهر تا ساعت پنج صبح افزایش داد و پس از شدت گرفتن حملات مردم به کلاتری‌ها و پادگان‌ها، فرماندار نظامی تهران در همین روز ساعت منع عبور و مرور را تا ساعت ۲۴ روز ۲۲ بهمن افزایش داد. رژیم در تدارک یک کودتای نظامی بود. سهبید رحیمی، فرماندار نظامی تهران و حومه طی دستورالعملی به یگان‌های تابعه خود از آنها خواست تا بی درنگ کلیه رهبران نهضت را دستگیر و با هواپلما به یکی از جزایر منتقل کنند.

طرح کودتا، مانند کودتای ۲۸ مرداد در حال اجرا بود و همزمان در آمریکا برژینسکی، شبانه طرح کودتا را با ژنرال براون (وزیر دفاع) و ژنرال ترنر (رئیس سیا) مطرح کرده و موافقت آنها را به دست آورد و ژنرال هایزر، فرستاده نظامی آمریکا که تا یکی دو روز پیش در ایران بود، اطلاعاتی درباره ارتش داشت، اما دو فتوای تاریخی امام این کودتا را ناکام کرد.

فتوای اول ایشان این بود که در واکنش به اعلام حکومت نظامی فرمودند: اعلامیه امروز حکومت نظامی خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ‌وجه به آن اعتنا نکنند. . . .
اخطار می‌کنم که اگر دست از این برادرکشی بر ندارند و لشکر گارد به محل خودش برنگردد. . . . تصمیم خود را به امید خدا می‌گیرم.

در همین حال مینی‌بوس‌ها و ماشین‌های وابسته به ستاد کمیته امام خمینی (ره)، با بلندگو لغو اعلامیه فرماندار نظامی را در سطح تهران اعلام کردند و حضرت امام در جواب استفتای نیروهای مسلح هم نوشتند: قسم برای حفظ قدرت طاغوتی صحیح نیست و مخالفت با آن واجب است و کسانی که قسم خورده‌اند، باید برخلاف آن عمل کنند.

حضرت امام خمینی که جریان اطلاع‌رسانی به مردم را به خوبی می‌شناخت، در آن لحظات حساس اعلام کرد من خودم اهل قلم و بیان هستم و هیچ سخنگویی ندارم. مرکزیت یافتن جریان اطلاع‌رسانی به شخص رهبر انقلاب باعث شد که همه نگاه‌ها به راهبردهای حضرت

<b>دوبلته</b>	
<b>۱۹ بهمن</b>	
<b>۱۳۸۸</b>	
<b>شماره</b>	
<b>۴۳۷</b>	
<b>۷</b>	<b>فجر ۳۱</b>

مسئله انحلال خبرگان روی این زمینه بود که مجلس خبرگان یک مجلس اسلامی شد، یک مجلسی شد که اکثرش از علما هستند و اینها از آنها می‌ترسند، از این علمای خوب می‌ترسند و ضربه خوردند، دیدند یک مجلسی است که مجلس علما هست، اینها، اگر قانون بنویسند، یک قانونی می‌نویسند که با مزاج غرب و شرق سازش ندارد. . . .» (صحیفه نور، ج ۱۵، ص۳، ۲۴، ۶۰/۳)

**۴- رفراندم قانون اساسی**

سراخام در روز ۲۴ آبان۵۸، در شصت و هفتمین و آخرین جلسه مجلس خبرگان، کلیه اصول مصوب قانون اساسی خوانده شد و به امضای نمایندگان رسید و کار مجلس خبرگان پایان یافت. پس از پایان کار مجلس خبرگان به منظور آشنایی همگان با قانون، متن آن در تیراژ وسیعی منتشر شد و سمینارها و جلسات متعددی با حضور اعضای مجلس خبرگان جهت بررسی قانون اساسی تشکیل شد.

حضرت امام(ره) در پیام تاریخی خود در ۱۰ آذر ۵۸ از همه ملت خواست که در روز همه پرسی به قانون اساسی رأی مثبت بدهند. بر اساس ارقام وزارت کشور جمع آرای مثبت (آری)۳۲۹ / ۶۸۰/ ۱۵ رأی و مجموع آرای منفی (نه)۷۸۵۱۶ رأی و جمع آرای باطل شده ۱۱۱ بود. به این ترتیب ۹۹/۵درصد آرای شرکت‌کنندگان مثبت و موافق قانون اساسی بود و اولین قانون اساسی مکتبی ایران اسلامی با رأی مردم رسمیت یافت. آنچه با ورق زدن در برگهای زرین تاریخ ماه‌های ابتدایی انقلاب اسلامی به چشم می‌خورد و نشان از ایمان واقعی حضرت امام(ره) به «جمهوری اسلامی» بود، اعتماد بالایی است که ایشان به مردم دارند و در عوض بی‌اعتمادی نمایانی که به گروه‌ها و احزاب سیاسی از خود نشان می‌دهند. این نکته قابل تأملی است که شاگرد فرزانه ایشان که خود از فعالان آن دوران به شمار می‌روند با دقت به آن اشاره می‌کند که ما به عنوان حسن ختام بحث آورده ایم:

«امام به مردم اعتماد داشتند، انقلاب که پیروز شد امام می توانستند اعلان کنند که نظام ما یک نظام جمهوری اسلامی است، از مردم هم هیچ نظری نخواهند، هیچ کس هم اعتراضی نمی‌کرد، اما این کار را نکردند. درباره اصل نظام و کیفیت نظام، رفراندم راه انداختند و از مردم نظر خواستند، مردم هم گفتند «جمهوری اسلامی» و این نظام تحکیم شد. برای تعیین قانون اساسی امام می‌توانست یک قانون اساسی مطرح کند، همه مردم با یک اکثریت قاطعی از مردم هم یقیناً قبول می‌کردند. می‌توانست عده‌ای را معین کند و بگوید اینها بروند قانون اساسی بنویسند، هیچ کس هم اعتراض نمی‌کرد، اما امام این کار را نکرد. در یک سال که همان سال ۵۸ باشد، امام چهار بار از آرای مردم برای چیزهای گوناگون استفسار کرد. برای اصل نظام، برای قانون اساسی نظام، برای ریاست جمهوری، برای تشکیل مجلس شورای اسلامی. امام به معنای واقعی کلمه معتقد به آرای مردم بود. یعنی آنچه را که مردم می‌خواهند و آرای‌شان بر آن متمرکز می‌شود. البته در این کارها هیچ وقت سرشته کار را هم به دست سیاست‌بازان نمی‌داد. میدان‌هم به اینها نمی‌داد که بیابند زیاده طلبی کنند، به نام مردم حرف بزنند و عوض مردم تصمیم بگیرند، لیکن به آرای مردم احترام می‌گذاشت.» (حضرت آیت‌الله خامنه ای در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۴/ ۳/۷۸)

**روی خط خاطره**



**حاج احمد غدیریان:**

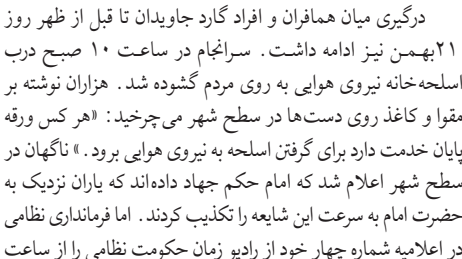
با اینکه امام تشریف آوردند، بعد از چند روزی که گذشت، شهید بهشتی از آنجا که احتمال کودتا می‌رفت مأموریتی را محول کردند که بچه‌ها به سلاح مجهز شوند.

از روز بیست و یکم بهمن که درگیری شروع شد، سلاح‌ها را آوردیم و در مدرسه رفاه به تدریج جمع‌آوری کردیم. قبل از این، ما بچه‌ها را آموزش داده بودیم. آنها را آماده کرده بودیم. شهید بهشتی فرموده بودند که ما مقداری سلاح در مناطق شمالی، جنوبی، شرقی، غربی و مرکزی تهران برای احتیاط دپو (ذخیره) کنیم، ما هم همین کار را کردیم. هم‌زمان، بچه‌ها را به میدان‌های مختلف می‌بردیم و برای آنها دوره‌های آموزشی برگزار می‌کردیم، بدین طریق نزدیک به دو سه هزار نفر را مسلح و آماده داشتیم، در عین حال خانه‌ها و منازلی را هم در نظر گرفتیم که سلاح‌ها را در آنجا دپو کنیم.

در حدود ۲۵ یا ۲۶ خانه را شناسایی و اسلحه‌ها را در آنجا جاسازی کرده بودیم و به افراد گفته بودیم که اگر اتفاقی افتاد شما از اینجاها تغذیه می‌شوید... همه این کارها را زیر نظر شهید بهشتی انجام می‌دادیم، علاوه بر این برنامه یادگیری و آموزش نظامی افراد نیز برعهده بنده بود. من همه این کارها را به انجام رساندم. و لحظه به‌لحظه گزارش کارها را به ایشان می‌دادم. ایشان نیز همه اینها را پیگیری می‌کردند. شهید بهشتی نگران بودند که عناصر رژیم ممکن است کودتا کنند. این نگرانی از قبل وجود داشت، اما روز بیست و یکم بهمن بیشتر شد. روز بیست و یکم بهمن ساعت ۱۱ و ۱۲اعلام شد که آنها برای بعد از ظهر قصد اعلام حکومت‌نظامی دارند تا کار را تمام کنند.

ظاهر شدن تصویر حضرت امام بر صحنه تلویزیون، طنین صلوات سالن را پر کرد. در این هنگام نیروهای گارد به سوی آنها تیراندازی کردند و درگیری در یکی از مهمترین پادگان‌های نیروهای استراتژیک شاهنشاهی آغاز شد.

مرد ساکن در اطراف خوابگاه همافران هنگامی که از حمله گارد به همافران آگاه شدند، اهالی خیابان‌های اطراف را نیز باخبر کردند و طولی نکشید که جمعیت انبوهی در کنار دیوار خوابگاه گرد آمدند که با ریادهاد الکبر از همافران حمایت می‌کردند. اجتماع مردم ساکن در



درگیری میان همافران و افراد گارد جاویدان تا قبل از ظهر روز ۲۱بهمن نیز ادامه داشت. سرانجام در ساعت ۱۰ صبح درب اسلحه‌خانه نیروی هوایی به روی مردم گشوده شد. هزاران نوشته بر مقوا و کاغذ روی دست‌ها در سطح شهر می‌چرخید: «هر کس ورقه

پایان خدمت دارد برای گرفتن اسلحه به نیروی هوایی برود.» ناگهان در سطح شهر اعلام شد که امام حکم جهاد داده‌اند که یاران نزدیک به حضرت امام به سرعت این شایعه را تکذیب کردند. اما فرمانداری نظامی در اعلامیه شماره چهار خود از رادیو زمان حکومت نظامی را از ساعت